



پروژه نهایی درس تجزیه و تحلیل و نقد عکس

دانشگاه هنر پردیس بین المللی فارابی

مدرس: دکتر محمد خدادادی مترجم زاده

دانشجو: یاسمن کاظم نیا

## نقد کتاب عکس بهمن جلالی:

این نقد به سمت فرمالیسم جهت گیری می‌کند:

### درباره عکاس:

بهمن جلالی، عکاس سرشناس ایرانی، زاده‌ی تهران بود. مدرک تحصیلی خود را در رشته‌ی اقتصاد و در دانشگاه ملی اخذ نمود. نخستین بار در مجله‌ی تماشا، متعلق به رادیو و تلویزیون ایران، با قباد شیوا، گرافیک‌ساز سرشناس، به همکاری پرداخت. او مدتی برای آموزش عکاسی به انگلستان رفت و در استودیوی جان ویکرز آغاز به کار کرد. همکاری جلالی با استودیوی جان ویکرز به عضویت او در انجمن سلطنتی عکاسان انگلستان منجر شد. پیش از انقلاب ۱۳۵۷ چند نمایشگاه برگزار کرد که نخستین نمایشگاه انفرادی او در سال ۱۳۵۰ و مهمترین آن در سال ۱۳۵۶ برپا شد. در سال ۱۳۵۵ و با ورود اسد بهروزان، ایرانشناس سرشناس، به ایران بازگشت و در پروژه‌ای با او به همکاری پرداخت. او سپس حاصل عکاسی از هفت کشور قاره‌ی آفریقا را در مجموعه‌ای زیر عنوان «کتاب هنر آفریقای سیاه» به چاپ رساند. جلالی در جریان وقایع انقلاب ۱۳۵۷ و نیز جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق به عکاسی پرداخت، که این دو دوره از مهمترین فعالیت‌های هنری جلالی به شمار می‌روند. در سال ۸۶ نمایشگاهی بزرگ از آثار جلالی در بنیاد تاپیس شهر بارسلون اسپانیا برگزار شد که مورد توجه قرار گرفت. جلالی این نمایشگاه را مهمترین اتفاق زندگی خود پس از چهل سال عکاسی می‌دانست. مدیریت هنری نمایشگاه ۱۶۵ سال عکاسی ایران که پاییز ۱۳۸۸ در پاریس برگزار شد، بر عهده‌ی وی بود. آخرین فعالیت جلالی، ۲۱ آذر ماه و سخنرانی در پیش همایش عکاسی قاجار در فرهنگستان هنر تهران بود. جلالی بیش از ۵۰ نمایشگاه عکس در ایران، فرانسه، آلمان، مجارستان، چکسلواکی سابق، فنلاند، اسپانیا، استرالیا و سایر کشورها برگزار کرد. جلالی در تولید فیلم‌های مستند همچون «روایت شهری که بود» نیز فعالیت داشت. او چندین سال به گردآوری و اصلاح نگاتیوهای شیشه‌ای کاخ گلستان پرداخت و آثاری را با اعمال تغییرات در عکس‌های قاجاری خلق کرد. مجموعه‌ی این نگاتیوها در کتاب گنج پیدا چاپ شده‌است. جلالی در دانشگاه‌های تهران، هنر، دانشگاه آزاد و مرکز تحقیقات و مطالعات ارشد و آموزشگاه هنری ماه مهر به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. او همچنین با پروژه چاپ کتاب عکس ایران در آلمان همکاری داشت. جلالی عکسخانه‌ی ایران را بنیان گذاشت و سردبیر فصلنامه‌ی عکسنامه نیز بود. همچنین وی همسر رعنا جوادی، دیگر عکاس معروف ایرانی است. جلالی عصر جمعه ۲۵ دی ۱۳۸۸ به دلیل بیماری سرطان پانکراس در خانه‌ی خود در تهران درگذشت. حال به سراغ نقد مجموعه عکس‌های این کتاب می‌رویم. اولین مجموعه عکس، مجموعه عکس‌هایی از شهر بوشهر می‌باشد. جلالی با به تصویر کشیدن این شهر بندری که هر روزه در معرض تخریب و از بین رفتن است، سعی در ثبت مکان‌هایی دارد

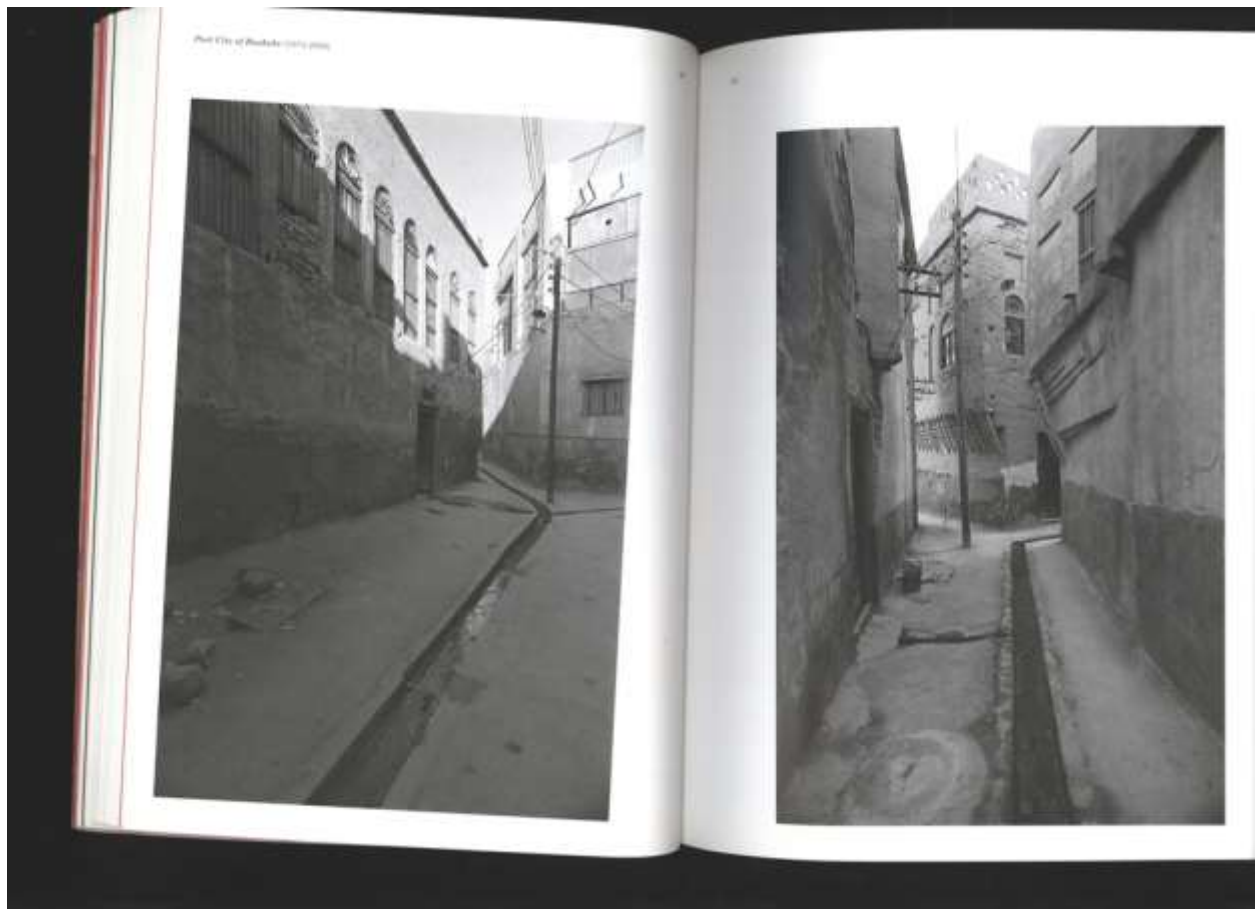
که ممکن است تا سال‌های دورتر از بین رفته باشند و هیچ اثری از آنها باقی نمانده باشد. کوچه‌ها و پس کوچه‌های شهر به تصویر کشیده شده‌است. کوچه‌های باریک و تنگ، فضای پر و گاه خالی از رهگذر، تقابل نورها، سیاهی و سفیدی، وجود جوی‌های باریک آب در تقریباً تمامی عکس‌ها، وجود سیم‌های برق، بافت ساختمان‌ها، پنجره‌های قوسی شکل و... همگی گواه بر قدیمی بودن این بندر و اهمیت آن برای ثبت شدن به عنوان تکه‌ای از خاک ایران می‌باشد. زاویه‌ی دیدی که عکاس برگزیده است نیز منجر به دیدن دقیق تر ساختمان‌ها گردیده است. در واقع سند نیز برداشته است. از چه چیز؟ از شهری که ممکن است در آینده به همین شکل باقی نماند و انسان‌های نسل‌های بعد فقط از طریق همین عکس‌ها به تصویری از آنچه زمانی بوده است، دست یابند. مجموعه عکس بعدی، عکس‌هایی از معماری سنتی ایرانی است. عکس از بناهایی با بافت‌های خاص مثل بادگیرها و آب انبارها، کوچه‌های سرپوشیده، با طاق‌های قوسی شکل، بناهای گنبدی شکل، حمام‌های سنتی، کاروانسراها، بازارهای سرپوشیده‌ای که نورها به شکلی موازی به درون آنها تابیده شده‌اند و فرمی خاص را ایجاد کرده‌اند، سایه‌هایی از اشیاء و بناهایی که روی زمین افتاده‌اند و... در این مجموعه نمایش داده شده است. وجود فرم‌های هندسی بسیار در این عکس‌ها، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. قوس‌های هلالی مربوط به بناهای سرپوشیده، پله‌های مکعب مستطیل شکل، شکل‌هایی از قسمت‌هایی از بناها که به مانند یک تابع ریاضی درآمده است، دریچه‌ی مکعبی شکلی که از یکی از بناها توجه را به خود جلب می‌کند، شکلی از گنبدها که احتمالاً حمام سنتی می‌باشند و سطح گنبدها که با مربع‌های کوچک پوشیده شده است، سایه‌هایی که به شکل مثلث، دوزنقه، نیم دایره، خطوط موازی هم و ایجاد شکل‌هایی دیگر در نتیجه‌ی آن، ایجاد شده است؛ از جمله مواردی است که در عکس‌ها به چشم می‌خورند. مجموعه عکس بعدی، عکس‌هایی است از ماهیگیران بندر بوشهر. نحوه‌ی نشان دادن طناب‌ها و تورهای ماهیگیری، فرم بدن، سبدهای پر و خالی از میگو، نحوه‌ی نگاه افراد و تلاشی که در چهره‌ی آنها موج می‌زند، حاکی از آن است که ماهیگیری شغل اصلی اکثر آنها است. گمان می‌رود در این شغل، با موانعی روبرو بوده‌اند. به طور مثال کشتی‌های نفتی و ناوهای دریایی، آب را آلوده کرده و موجب از بین رفتن هر روزه‌ی ماهی‌ها شده‌اند. کنتراست و زاویه‌ی دید تصاویر نیز به نحوی موثر به کار گرفته شده است. مجموعه عکس بعدی، مربوط به انقلاب ۵۷ می‌باشند. با نگاهی کلی به عکس‌ها متوجه یک چیز می‌شویم و آن گذر زمان است. عکس‌ها زمانی را نشان می‌دهند که ممکن است ما در آن زمان زندگی نکرده باشیم. تیپ‌ها و سر و شکل افراد با زمان حال حاضر تفاوت دارند. از روی ظاهر افراد حتی می‌توان به دیدگاه‌های متنوع آنها در مورد زندگی پی برد. شلوارها اکثراً پاچه گشاد و رنگ لباس‌ها تقریباً یکدست و تیره می‌نمایند. سیل جمعیت در اینجا اغراق نیست. جمعیت زیادی را با مشت‌های گره کرده می‌بینیم که در حال اعتراض‌اند. زنان متفاوتی را می‌بینیم. بعضی از آنها چادر یکدست مشکی پوشیده‌اند و برخی دیگر لباس‌های روشن تر و آزادتر. نکته جالب این است که هر دو گروه به خاطر یک هدف کنار یکدیگر جمع شده‌اند. ماشین‌ها و دوچرخه‌های قدیمی موجود در تصاویر به ما گوشزد می‌کنند که زمان استفاده از آنها دیگر به پایان رسیده است.

وجود دودهای فراوان حاصل از آتش سوزی در خیابان‌ها، حضور دست‌ها در همه‌ی تصاویر و شکل‌هایی که در هر کدام از آنها به خود گرفته‌اند، پوسترها و اعلامیه‌ها و همچنین چهره‌ی افراد، حاکی از اضطراب و فضای پر از تنش آن دوران است. تمام عناصر بصری موجود در تصاویر به نحوی، به درک و فهم ما از عکس‌ها کمک کرده‌اند. این مجموعه عکس از آن جهت مهم تلقی می‌شود که بسیاری از افراد حاضر در ایران به عنوان یک شاهد عینی در آن زمان حضور نداشته‌اند و وقایع تاریخی و انقلاب مردم آن زمان را ندیده‌اند. پس این مجموعه عکس می‌تواند برای این دسته از افراد مفید باشد؛ چرا که مفهوم انتزاعی موجود در ذهن‌شان را به مفهومی غیرانتزاعی و عینی بدل می‌کند. جدای از آن، وقایعی که در هر کشور رخ می‌دهد، جزئی از تاریخ تفکیک‌ناپذیر آن کشور محسوب می‌شوند و اگر عکاسانی نبودند و آن وقایع و اتفاقات را ثبت و ضبط نمی‌کردند، لابه‌لای صفحات تاریخ گم می‌شدند. از این لحاظ قابل ستایش می‌باشند. مجموعه عکس بعدی، مربوط به جنگ ایران و عراق می‌باشند. در این عکس‌ها یک چیز به وضوح قابل مشاهده است؛ تخریب ساختمان‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و خانه‌ها. افراد نیز زخمی و مجروح گشته یا شهید شده‌اند. با نگاهی به چهره‌ی افراد پی می‌بریم که بیشتر آنها جوانان و نوجوانان می‌باشند. با نگاه به سربندهایی که افراد حاضر در تصویر سر کرده‌اند، می‌توان تا حدودی به اعتقادات آنها پی برد. جنگ پدیده‌ی وحشتناکی است که جز خرابی و ویرانی چیزی به وجود نمی‌آورد و باید از آن دوری کرد. به مانند دیگر عکس‌ها، بهمن جلالی این بار سعی کرده است زمان جنگ را مستند کند. تنه‌ی درختان نخل قطع شده، بافت‌های درهم خورد شده‌ی خانه‌ها، چهره‌ی زنان و مردان حاضر در تصاویر، ماشین‌های نابود شده و رو به بالا سر و ته شده، بعضی از نشانه‌های وقوع یک جنگ طولانی مدت می‌باشند. در کل فضای پر از گرد و خاک، تصاویر گنگ و مبهم، چهره‌هایی که گویی پرسش‌هایی را در ذهن دارند و صحنه‌هایی که انگار از همه چیز تهی گشته‌اند، حکایت از نامعلوم بودن آینده‌ی این جنگ دارند. در یکی از مجموعه عکس بعدی، دیواری وجود دارد که با اشکال هندسی تزئین شده است؛ این اشکال شش ضلعی‌هایی هستند که مثلث‌های سه گوش به دور آنها قرار گرفته‌اند و فرمی مانند بوکه در عکاسی جدید و نیز حالتی ستاره شکل را به خود گرفته‌اند. دیگر عکس‌های کتاب، عکس‌هایی فانتزی هستند که مربوط به دوران قاجار می‌باشند و عکاس سعی کرده است با استفاده از دیگر عکس‌هایی که متعلق به او هستند، صحنه‌هایی جدید و وهم‌آلود را خلق کند. در بعضی از این عکس‌ها، کلمات نیز به تصاویر اضافه شده‌اند و خطوطی قرمز رنگ که گویی خونی است که بر عکس‌ها پاشیده شده است، نیز، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. در نتیجه سه رنگ قرمز، سیاه و سفید را در ترکیب عکس‌ها شاهدیم. خوب، به انتهای کتاب رسیدیم و جا دارد چند نکته را بیان کنیم. اول اینکه کتاب، کتابی بسیار مفید بود و متعلق به عکاسی مشهور (عکاس فقید آقای بهمن جلالی). دوم اینکه کتاب به صورت ترکیب عکس و نوشته بود؛ به این صورت که حالت مصاحبه‌ای بود بین عکاس و مصاحبه‌کننده (کاترین دیوید). عکس‌های روی جلد کتاب به خوبی انتخاب شده بود، اما می‌شد عکس‌های بهتری نیز برای اینکار انتخاب کرد. کیفیت چاپ عکس‌ها مطلوب بوده و نحوه‌ی نشان دادن عکس‌ها به گونه‌ای بود که در هر صفحه یک عکس و نهایتاً دو عکس

را می‌دیدیم. در دو سه صفحه، عکس‌های بیشتری وجود داشتند که اگر تعدادشان کمتر بود، بهتر دیده می‌شدند. سوم، هر مجموعه عکس دارای بیانیه بود که به نظرم خیلی کمک کننده بود و باعث می‌شد هدف عکاس از نشان دادن این تصاویر را بفهمیم. این کتاب به نظر بنده بسیار ارزشمند است چرا که گنجینه‌ای است ماندگار از تاریخ کشورمان و آنچه بر سر این کشور و مردمان آن گذشته است و اگر چنین عکاسانی به این موضوع فکر نمی‌کردند، اینک هیچ سندی از آن روزگاران در دست نداشتیم. در آخر اینکه عکس‌ها گاهی اوقات، آنقدر گویا هستند که حتی اگر هیچ نوشته‌ای نیز در کنار آنها نبینیم، می‌توانیم به مفهوم آنها پی ببریم. درست مانند مجموعه عکس‌های همین کتاب توسط آقای بهمن جلالی. جامعه ما تا همیشه باید قدردان زحمات چنین عکاسان بزرگی باشد.

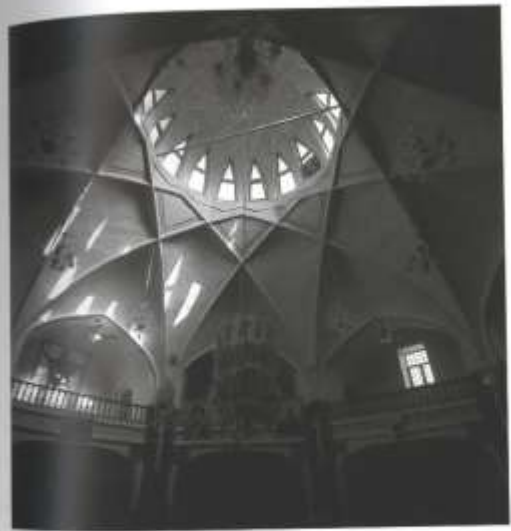
یاسمن کاظم نیا

۱۱ تیر ماه ۱۴۰۰



Shahr-i Gokhany (1971)





Fishermen (1911-1912)

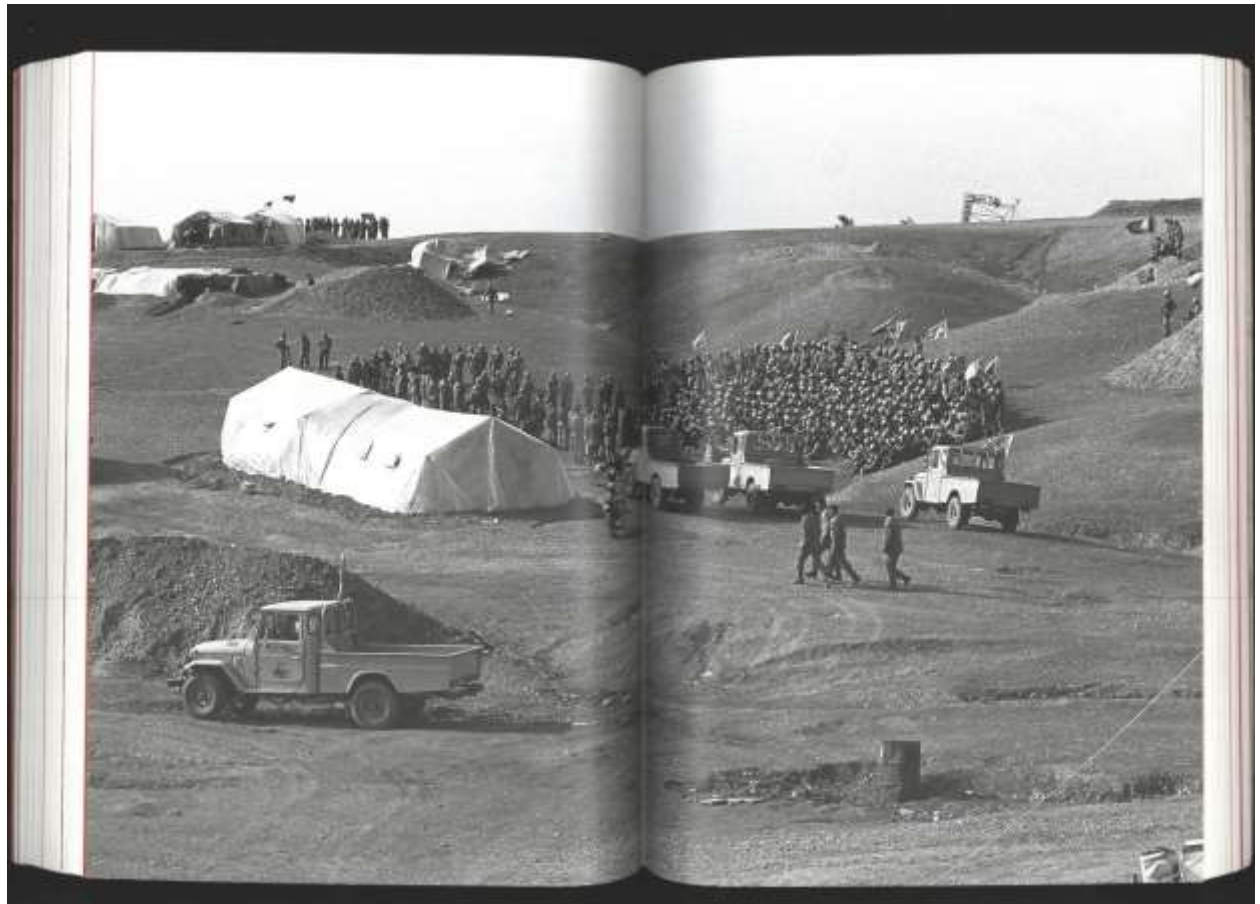














Attacking the main tank





